

## آینده

## انتقاد

**رئیس‌جمهور با مردم صادق است**

**● رضا صالحی امیری**؛ دربارۀ حوادث اخیر، رفتارشناسی معترضان بیانگر دو سطح از اعتراض است؛ سطح اول مطالبات اقتصادی و معیشتی است و سطح دوم تخریب‌گری. همان‌طور که مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور گفته‌اند باید مرزبندی شفاف میان اعتراض قانونی و تخریب‌گری داشته باشیم. دولت و شخص رئیس‌جمهور با مردم صادق هستند. از همین‌رو رئیس‌جمهور نسبت به حل‌وفصل مشکلات باید به افکار عمومی بیشتر توجه داشته‌اند. همچنین باید به این‌ موضوع توجه داشت که حجم چالش‌ها و مشکلات به حدی است که نمی‌توان از دولت انتظار معجزه داشت. به اعتقاد من در این شرایط باید تلاش حداکتری برای افتاح افکار عمومی انجام شود که مردم در جریان چالش‌ها و مشکلات دولت قرار گیرند… تا با آگاهی از واقعیت‌های موجود جامعه رفتار خود را تنظیم کند. من باور دارم جامعه نسبت به نظام سیاسی اعتماد و اعتماد دارد. جامعه نسبت به دولت و خدمات آن قدردان است اما باید نخبگان، اصحاب رسانه و به‌ویژه صداوسیما رسالت خود را برای انعکاس خدمات دولت و نظام به افکار عمومی بیشتر به خرج دهند. سه نکته کلیدی را باید در این مقطع مدنظر قرار داد. یک حل‌وفصل مشکلات مؤسسات مالی و اعتباری است که چالش عمده‌ای در نظام سیاسی است. نکته دوم مسئله بی‌کاری، فقر و شکاف طبقاتی و مسئله سوم فساد در سیستم است. مردم حاضر هستند کمبودها را در کشور تحمل کنند اما تبعیض و فساد را هرگز. همه دولت‌مردان، روشنفکران و اصحاب رسانه باید در ایجاد امید مردم به آینده تلاش کنند. اگر همه امکانات را فراهم کنیم اما بذر امید کاشته نشود خدمات و تلاش‌ها ناپدید گرفته می‌شود.

## کیتان

**فرش قرمزریز برای دشمن با واگذاری مدیریت افکار عمومی به بیگانه**

**●** می‌هاهو درباره شبکه‌های اجتماعی و حق دسترسی مردم به آنها تمامی ندارد. این بحث مشخصاً بسته‌بودن آن هر روز بیشتر بالا می‌گیرد. رئیس‌جمهور محترم بدون به یادآوردن وظیفه قانونی خود در تسهیل فضای ارتباطی مردم و با نادیده‌گرفتن قصور غیرقابل بخشش در سال‌های اخیر برای تأمین یک زیرساخت امن و بومی، زست اپوزیسیون گرفته و به این دلیل خود دبیر شورای عالی امنیت ملی است. به این و آن حمله می‌کند که چرا تلگرام فیلتر است؟! … بهانه افرادی مثل رئیس‌جمهور محترم برای برداشتن فیلتر تلگرام، کسب‌وکار مردم است! اما وی پاسخ نمی‌دهد اگر به راستی شما در این نگرانی صادق هستید، چرا در این چهار سال کوچک‌ترین قدمی برای ایجاد زیرساخت بومی برداشتید؟! آیا کسی مانع شما بود؟! آیا منابع افرادی به خطر می‌افتاد؟! چرا آن روز به وظیفه‌تان عمل نکردید که امروز مجبور نباشید این حرف‌های غیرقابل پذیرش را بزنید؟!

## انقلابی گری یعنی کمک به مردم برای حل مشکلات مردم

**● بدالله جوانی**؛ باید صاحبان صنایع، کارخانجات، کارگاه‌های کوچک و بزرگ، صاحبان مشاغل گوناگون به ایجاد رونق اقتصادی در کشور در آینده نزدیک امیدوار شوند. بسیار روشن است که کار اصلی در این حوزه‌ها، بر عهده دولت است… اما نکته مهم افراد و این میان تلاش‌ها، رویکردها و جهت‌گیری‌های اعتقاد و مجموعه‌های خارج از دولت است. اعتقاد بر این است که با انقلابی‌گری به معنای دقیق کلمه، می‌توان همه مشکلات کشور و مردم را حل کرد. این یک اصل و قاعده اثبات‌شده است. در ۳۸ سال گذشته، در هر حوزه‌ای که با رویکرد انقلابی‌گری مبتنی بر عقلانیت و درایت و روحیه جهادی کارها دنبال شده، موفقیت‌های بزرگ حاصل شده است. عمده مشکلات امروزی کشور و مردم، به حوزه‌هایی اختصاص دارد که در آن حوزه‌ها به صورت انقلابی عمل نشده است. البته از این‌نکته نباید غفلت کرد، برخی از معضلات کنونی کشور، حاصل کار انقلابی‌نماها در ۳۸ سال گذشته است. به تغییر مقام معظم رهبری، انقلابی‌گری با انقلابی‌نمایی تفاوت دارد.

بنابراین با توجه به مطالب پیش‌گفته، انقلابی‌گری در شرایط کنونی، در کمک به دولت برای حل مشکلات کشور است. جریان‌های سیاسی با هر فکر و سلیقه‌ای در شرایط کنونی، باید به فکر مردم و حل مشکلات کشور باشند. به‌طور قطع با هم‌افزایی همه ظرفیت‌ها، به‌راحتی می‌توان بر بسیاری از مشکلات غلبه کرد. نقشه راه باید اقتصاد مقاومتی باشد. همه نیروها، جریان‌ها و افراد باید به کمک دولت در راستای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی بشتابند. البته دولت هم باید امکان بهره‌گیری از توان و ظرفیت‌های خارج از دولت در هر سطحی را فراهم سازد. کشور از ظرفیت‌ها، امکانات و قابلیت‌های بسیار بالایی برای حل مشکلات برخوردار است. مهم هم‌افزاشدن مسئولان در قوای سه‌گانه و تمامی دستگاه‌ها و نهادها است. وحدت و همدلی مسئولان زمینه‌ساز کمک‌های مردمی و بخش خصوصی به دولت برای حل مشکلات خواهد بود. این وحدت، همدلی و زمینه‌سازی برای هم‌افزاکردن تمامی امکانات برای حل مشکلات مردم؛ نشانه انقلابی‌گری و هر نوع حرکت مغایر، با انقلابی‌گری فاصله دارد.

politics@sharghdaily.ir

**شرق**: آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، روز پنجشنبه آلمان را به مقصد ایران ترک کرد و به کشور بازگشت. در همین خصوص، روز گذشته، روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام در بیانیه‌ای نوشت: «بستری‌شدن حضرت آیت‌الله شاهرودی ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام در یکی از بیمارستان‌های آلمان بنا بر توصیه اکید تیم پزشکی و برخلاف تمایل ایشان بوده است و پس از بهبودی و طی روند درمانی در آلمان به ایران مراجعت نموده‌اند و در مجمع تشخیص مصلحت نظام و جایگاه‌های دیگر در خدمت مردم و انقلاب اسلامی خواهند بود.»

صدای آلمان اعلام کرده که آیت‌الله شاهرودی از مصونیت دیپلماتیک خود استفاده کرده و به ایران بازگشته است. این رسانه همچنین در این خصوص مدعی شد که برخی رسانه‌های این کشور گزارش دادند که اعتراض‌هایی به حضور آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی در آلمان صورت گرفته است. روزنامه آلمانی هانوفرشه الکتمانیه هم ۱۵ دی در گزارشی مدعی شد دولت ایالت «نیدرزاکسن» که شهر هانوفر، محل بستری آیت‌الله شاهرودی در آن قرار دارد، همچنین «اشتوفان وایل»، نخست‌وزیر این ایالت، نامه‌ای اعتراض‌آمیز در مورد حضور رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام دریافت کرده‌اند. «فولکر یک» سیاست‌مدار حزب سبزهای آلمان نیز علیه او شکایات‌نامه‌ای تنظیم کرده و به دادستانی آلمان ارائه داده است.

سوم دی ماه بود که فرزند رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام از تعطیلی دروس آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی برای تکمیل دوره درمانی خبر داد.

به گزارش ایلنا، حجت‌الاسلام سیدعلا هاشمی‌شاهرودی گفته بود: «ایشان برای تکمیل دوره درمانی سفری به خارج از کشور کردند و به‌زودی باز می‌گردند اما هیچ جای نگرانی وجود ندارد و خوشبختانه در سلامت کامل هستند و به‌زودی به کشور بازگشته و دروس و برنامه‌ها را

## سیاست

# آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی به ایران بازگشت



پیگیری می‌کنند». پرویز داوودی، رئیس دفتر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام هم درباره سفر آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی به آلمان برای معالجه چنین توضیح داده بود: «این سفر بنا بر توصیه مؤکد پزشکان و برخلاف میل آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی انجام شده است و اگر ضرورت پزشکی اقتضا نمی‌کرد، هیچ دلیلی برای اعزام ایشان به آلمان نبود. برای انجام مرحله نهایی درمان، پزشکان ایرانی تأکید کردند که آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی باید عازم آلمان شوند و ایشان مجبور شدند که تأکید پزشکان را بپذیرند و بر همین اساس این سفر انجام شد.» «روزآروز» به نقل از فوکوس آنلاین گزارش داده که علت بستری‌شدن آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی در بیمارستان آلمانی، درمان تومور مغزی است. البته برخی اخبار هم حکایت از این دارد که هاشمی‌شاهرودی به سرطان روده مبتلا شده است.

**پروفسور سمیعی برالین آیت‌الله شاهرودی**

حدود دو هفته بعد از بستری‌شدن آیت‌الله شاهرودی در بیمارستانی در هانوفر آلمان، عکسی از پروفسور سمیعی در کنار او منتشر شد. همین عکس موجب شد شایعاتی در مورد اینکه او تحت نظارت دکتر سمیعی تحت مداواست، منتشر شود. همین باعث شد پروفسور سمیعی در این خصوص اطلاعاتی منتشر کند که در آن آمده بود: «چند نکته قابل تأمل در مورد اخبار ضد و نقیض و نادرست چند روز اخیر:
۱- قسم پزشکی هر پزشکی را ملزم به مداوای بیمار بدون درنظرگرفتن جنس، نژاد، مذهب و پیشینه بیمار می‌کند.
۲- اگرچه آقای هاشمی‌شاهرودی در آلمان بستری هستند، بیمار پروفسور سمیعی نبوده و نیستند و اخبار مبنی بر پذیرش آقای شاهرودی در منزل پروفسور کاملاً نادرست می‌باشد.
۳- سوءاستفاده از نام و عکس افرادی مثل پروفسور سمیعی که سابقه ۵۰ساله کاری ایشان چیزی جز خدمت به مردم و علم و دوری از هرگونه فعالیت سیاسی و اقتصادی نبوده است، برای رسیدن به اهداف کوتاهمدت بسیار غلط و فقط به منظور محدودکردن خدمات‌رسانی پروفسور سمیعی به ایرانیان انجام می‌گیرد.
۴- وظیفه انسانی و پزشکی هر طبیعی این است

### حجت‌الاسلام صدیقی:

## اجتماع ملت، آشغال‌ها را شست و تمیز کرد



به‌جز ضرغامی، یک‌بار محمدرضا باهنر به خرداد‌های نماز جمعه اعتراض کرده بود. باهنر با اشاره به حواشی روز عید فطر امسال و مداحی علیه دولت گفته بود: «درباره مداحی روز عید فطر من نقدها را وارد می‌دانم. بعد از یک ماه روزه و تعبد و طاعت و اطاعت، مردم برای جشن و عیدی‌گرفتن می‌آیند و اینکه این روز به یک مسئله‌ای کشانده شود که خطاب به رئیس‌جمهور مداحی شود، کار درستی نبوده.»

**افزایش بودجه‌های حوزه‌های علمیه آری یا نه**

صدیقی دیروز همچنین از کاهش بودجه‌های حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی دینی کلایه کرده و گفته است: «در بودجه ۹۷ برای فرهنگ بودجه قابل‌اعتنایی در نظر گرفته نشده است. اگر بخواهیم دین را رواج دهیم باید برای حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی‌مان بودجه مناسب پیش‌بینی شود». ضرغامی همچنین در ادامه نوشته خود در انتقاد به خواسته صدیقی در افزایش بودجه حوزه‌های علمیه

## اعتراف کنیم

### سعید فرج‌پور

معتقدند همه چیز را نمی‌توان به عرصه عمومی آورد و صریح به آنها پرداخت. اما مگر سیاست‌ورزی در دنیای مدرن چیزی جز توانایی بازگوکردن ناگفته‌ها در قالب زبانی همه‌فهم و وحدت‌زاست؟ به نظر می‌رسد باید به دنبال بیانی این توان در مقامات ارشد کشور بود و در عین حال و حدت‌زا با مردم در میان بگذارند. باید اعتراف کرد بین آگاهی مردم از حقایق شکل‌گرفتن هر تصمیم در یک ساختار با رجوع‌کردن یا رجوع‌نگردن به اطلاعات غیرواقعی درباره همان تصمیم ارتباط مستقیمی وجود دارد و هرچه امکان بازگوکردن حقایق از زبان تصمیم‌سازان این ساختار برای عرصه عمومی فزونی یابد، امکان نشر و استقبال از اطلاعات غیرواقعی و احتمالاً مغرضانه کاهش خواهد یافت. به‌راستی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران تا چه‌اندازه به اطلاعات غیرواقعی درباره همان تصمیم ارتباط عمومی فزونی یابد، امکان نشر و استقبال از اطلاعات غیرواقعی و احتمالاً مغرضانه کاهش خواهد یافت. به‌راستی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران تا چه‌اندازه به اطلاعات غیرواقعی درباره همان تصمیم ارتباط عمومی توفیق داشته‌اند که مدام مدعی هستند مردم نباید برای فضاوت به اطلاعات غیرواقعی رجوع کنند؟ اطلاعاتی که از دیدگاه تصمیم‌سازان مغرضانه تولید می‌شود و هدف از تولید آن ضربه‌زدن به ساختار مورد نظر است. نمی‌توان از طرفی هم حقایق را که درک آن حق عرصه عمومی است به‌واسطه مصلحت‌ها و

که در هر شرایط بدون جناح‌بندی و ورود به عرصه سیاست، سعی در رساندن بیشترین خدمات به بیماران را داشته باشد.

۵- هر پزشکی که در معالجه بیمارش جنس، نژاد، گرایش جنسی، سیاسی و یا هر مؤلفه دیگری را لحاظ کند، می‌باید کار طبابت را کنار بگذارد.

۶- افرادی که از پزشکان تقاضای معالجه‌نگردن بیماری به دلایل فوق را دارند درک درستی از وظیفه و قسم پزشکی ندارند.»

این پزشک مشهور ایرانی همچنین در مصاحبه‌ای درباره اینکه چرا آیت‌الله شاهرودی کلینیک او را برای درمان انتخاب کرده است، گفت: «بیمارستان ما یک بیمارستان بین‌المللی است و اساتید زیادی در این بیمارستان کار می‌کنند. کسالت ایشان به تخصص من ارتباطی نداشته است. متخصصان دیگر تصمیم بر این گرفتند که اگر ایشان احتیاج داشته باشند به هانوفر بیایند و تحت معالجه قرار بگیرند.» دکتر سمیعی همچنین در مورد مخالفان حضور آیت‌الله شاهرودی در این بیمارستان با انتقاد از آنها گفت: «اگر این‌گونه باشد که منتقدان می‌گویند، باید اطبا و پرسنل بیمارستان‌ها یک دوره سیاسی یا قضائی بگذرانند تا غیر از کار پزشکی نسبت به گذشته‌ها و گرفتاری‌های بیمار هم تسلط پیدا کنند! من ریاست این بیمارستان را دارم، شما فکر می‌کنید وقتی وقتی پزشکی از من بخواهد راجع به یک بیمار، مشورت پزشکی انجام دهم، آن را رد می‌کنم؟ در آینده هم خواسته یک پزشک را برای دیدن یک بیمار رد نخواهم کرد.»

در مورد تجمع‌کنندگان جلوی این بیمارستان نیز عنوان کرد: «اولاً من اصلاً ایشان را نمی‌شناختم. وقتی هم ندارم که بخواهم به کارهای سیاسی و قضائی ایران برسم. من از صد کشور جهان بیمار دارم و همه آنها برای خود گذشته‌ای دارند. فکر می‌کنید قابل اجراست که بخواهیم به عنوان طبیب وارد کارهای سیاسی و قضائی افراد شویم؟ کسانی که می‌خواهند پزشکی را با سیاست مخلوط کنند، طفلک‌ها باید مقداری فرهنگ و دید خودشان را عوض کنند.»

آزوده است: «راه‌حل معضلات فرهنگی – اجتماعی افزایش بودجه حوزه‌های علمیه نیست». او شاید نخستین اصولگرایی است که از این زاویه به ماجرای بودجه‌های مؤسسات فرهنگی – آموزشی، به‌ویژه مؤسسات ذیل جدول ۱۷ ورود کرده است؛ جدولی که این روزها بحث بر سر میزان بودجه‌های تخصیص‌یافته به آن جنجال‌آفرین شده است. برخلاف آنچه صدیقی گفته، بودجه بسیاری از این نهادهای فرهنگی، مذهبی و حوزوی در سال ۹۷ با افزایش روبه‌رو بوده، نه کاهش. اما همین افزایش هم با اعتراض روبه‌رو بوده است، تاجایی‌که نصرالله پژمان‌فر، نماینده مجلس، اخیراً گفته بود: «برای مثال جامعه‌المصطفی نهادی است که ۱۴ درصد افزایش اعتبار داشته و بالاترین افزایش در بودجه فرهنگی لایحه ۹۷ به‌شمار می‌آید؛ با توجه به فعالیت‌های برون‌مرزی جامعه‌المصطفی، اگر تفاوت نرخ ارز در سال ۹۶ و ۹۷ با هم مقایسه شود، قطعاً نسبت به سال گذشته این بودجه کاهش یافته است؛ ضمن اینکه ارز مبادله‌ای نیز به این نهادها اعطا نمی‌شود. اگر خروجی یک مرکز آموزشی با بودجه در اختیار آن را با چنین نهادهای مهمی که فعالیت‌های گسترده‌ای دارند، مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که بودجه تخصیص‌یافته به این نهادها تا چه حد پایین بوده است». او به «شرق» گفته است: «با وجود افزایش ۱۰درصدی که در بودجه آنها صورت گرفته، به‌نوعی می‌توان گفت با تبدیل ریال به دلار، بودجه آنها از سال قبل نیز کمتر شده و مشکلات عدیده‌ای خواهند داشت.»

طیبه سیاوشی در همین زمینه به «شرق» گفته بود: «تا جایی که می‌دانم، بودجه نهادهای حوزوی و مذهبی کاهش نیافته، بلکه تحت نظارت یک ارگان و وزارتخانه قرار گرفته و درواقع نظارت‌پذیرتر شده و کاهش اعتبار کمتر مشاهده شده است.»

ضرورت‌های نامعلوم مکتوم نگاه داشت و از طرفی انتظار همراهی تام از همین عرصه را تقاضا کرد! به نظر یکی از مهم‌ترین کارکردهای علم سیاست امکان تبیین همان حقایقی است که بی‌وقفه از سوی مقامات، برای عرصه عمومی غیر قابل تبیین تلقی می‌شود و هرچه سیاست‌مداران بیشتر به زیور سیاست‌ورزی مزین باشند، توان تبیین حجم بیشتری از آن را در قالب‌های زبانی وحدت‌زا خواهند داشت. سیاست‌ورزی را یک پنهان‌کاری و قلب وقایع مرتبط‌دانستن ناشی از یک فهم غلط و جنفالی بزرگ به این بزرگ‌ترین دستاورد عقل بشری است.

۳- سال‌هاست در کشور هزاران نمایشگاه از دستاوردهای نهاد‌های مختلف برپا می‌شود و مردم مدام در معرض فضایل و توانمندی‌هایی هستند که دستگاه‌ها برای خود برمی‌سازند؛ دریغ از برپایی یک نمایشگاه از ناگامی‌ها و «دست‌نیاوردها». آیا زمان آن نرسیده از قضاوت یک‌طرفه درباره خود دست برداریم و به عرصه عمومی حق بدهیم این همه فضایل برشمرده را با واقعیات جامعه مقایسه کند و به آنچه می‌گویم خویش بین نباشد؟ ما را چه شده که حتی توان اقار به اشتباهات و کوتاهی‌های خود نداریم. وقت آن است در پیشگاه مردم کمی هم اعتراف کنیم و از آنها بابت آنچه باید برایشان می‌بودیم و نبودیم عذرخواهی کنیم شاید مناسبت‌های پیش‌رو فرصت خوبی برای این اعتراف کوچک باشد. حتی یک گزاره کوچک در این زمینه توان ترمیم بخش بزرگی از شکاف‌های ایجادشده در جامعه را دارد؛ فقط کافی است منصفانه اعتراف کنیم.

ادامه از صفحه ۱

### نابت ماندن قیمت بنزین از جیب فقرا

در این نگاه اهمیت قیمت بنزین در ایجاد انگیزه یا کاهش انگیزه برای سفر ناپدید گرفته شده و فرض شده حجم سفرها مشخص است و همه سفرهای درون و برون‌شهری امری ثابت و ضروری است و تنها مسئله اصلی این است که با خودروهای موجود با هر سفر چقدر سوخت مصرف خواهد شد. واقعیت این است که این‌گونه نیست و هزینه جابه‌جایی نقش مهمی در تصمیم‌گیری برای سفر خواهد داشت. آنچه کشورهای اروپایی را از ترافیک شدید نجات داده است، فقط حمل‌ونقل عمومی نیست، بلکه قیمت بالای بنزین است! بله با توجه به مصرف پایین بنزین در خودروهای پیشرفته کشورهای توسعه‌یافته اگر قیمت بنزین پایین بود آنجا را نیز ترافیک قفل می‌کرد، ولی نظام سیاست‌گذاری آنجا با تحمیل هزینه بالای بنزین و اقسام هزینه‌های مختلف نظیر هزینه بالای پارکینگ انگیزه سفر درون‌شهری یا برون‌شهری را خودرو را به‌شدت کاهش می‌دهد و افراد را به سفرنرفتن، سفر با دوچرخه یا پیاده و سفر با حمل‌ونقل عمومی سوق می‌دهد.

پدیده جالب‌تر آن است که نخبگان و روشنفکران این‌دیار همه‌گونه تحلیل عرضه می‌کنند تا قیمت بنزین گران نشود؛ برای مثال گفته می‌شود اگر بنزین گران شود فلان قدر اشتغال از بین می‌رود و دیگری می‌گوید اگر بنزین گران شود به‌دلیل تشدید کسری بودجه و دامن‌زدن به انتظارات تورمی یا بالا بردن هزینه تمام‌شده بهمان درصد تورم اضافه خواهد شد. نکته جالب این است که هم‌زمان در رسانه‌ها این گزارش منتشر می‌شود در سال‌های گذشته هزینه واردات بنزین حدود ۱۵۰میلیارد دلار بوده است! آن‌وقت همان افرادی که با گران‌شدن قیمت بنزین مخالفت می‌کردند به این موضوع می‌پردازند که چه دست‌هایی از این واردات منتفع شده و چه رانتی متوجه چه کسانی شده است!

نقش برخی مدعیان با این به ظاهر استدلال‌هایی که علیه افزایش بنزین عرضه می‌کنند، فقط موجب می‌شود مقاومت اجتماعی در برابر این اصلاح اقتصادی بیشتر شود و سیاست‌گذاران را به تردید افکنند. همه می‌دانیم سیاست‌مداران به اندازه کافی انگیزه دارند که منافع کوتاه‌مدت را به منافع بلندمدت ترجیح دهند. فقط کافی است جامعه با

مقاومت در برابر سیاست‌های اصلاحی و روشنفکران با تئوریزکردن تداوم سیاست‌های غلط گذشته آنها را به تداوم وضع موجود سوق دهند. البته اگر این روند ادامه یابد، دود آن به شکل آلودگی هوا، ترافیک و هرز منافع کشور به چشم خود جامعه و همان روشنفکران خواهد رفت و تاخیر در اصلاحات اقتصادی فظف هزینه اصلاح را بیشتر می‌کند اما ضرورت آن را منتفی نخواهد کرد. پایین نگه‌داشتن قیمت بنزین با توجیهاتی چون تورمزایی و فشار آن بر اقشار ضعیف پیوسته کمک کرده تا اقشار برخوردار و تا حدی طبقه متوسط اقشار فقیر شد و متأسفانه روشنفکران نقش اجتماعی در قبال بنزین ایجاد شد که زبان آن فقط متوجه اقشار فقیر شد و متأسفانه روشنفکران نقش تئوریزکردن این ائتلاف مشوم را ایفا کردند. نشان این وضع نیز آن بود که وقتی پروژه نقدی‌کردن پارانهِه (که به اشتباه هدفمندکردن نامیده شد) اجرا شد، طبقات فقیر از این کار راضی بودند اما طبقات متوسط و غنی در زمره مخالفان آن قرار گرفتند و آن را با هرچسب پوپولیسم محکوم کردند. بماند که اشتباه آقای احمدی‌نژاد در نرخ‌گذاری آن و کسری بودجه این طرح و فشار آن بر منابع عمومی دولت، بهانه کافی در اختیار اقشار برخوردار و متأسفانه دولت قرار داد تا اصل نقدی‌کردن پاران‌ها را که اقدامی درست بود، زیر سؤال ببرند. موضوع بنزین به‌خوبی نشان می‌دهد چگونه با کمک روشنفکران ائتلاف مذمومی به زبان طبقه فقیر شکل گرفته و پیوسته تخصیص منابع عمومی به شکل ناعادلانه انجام می‌شود. این مصداق کافی است که به این فرض هم فکر کنیم که گناه بی‌عدالتی موجود فقط برعهده حکومت نیست بلکه روشنفکران و دیگر بخش‌های جامعه نیز در آن سهیم هستند! در سال ۱۳۸۰ که ایران حدود ۱۷میلیون خانوار داشت، فضاظ سه میلیون خودروی شخصی وجود داشت و به‌سادگی دیده می‌شد که اکثر بهره‌برداران از بنزین ارزان اقشار برخوردار بودند، همان استدلال‌هایی علیه افزایش قیمت بنزین ارائه می‌شد که امروز می‌شود. بد نیست اشاره کنیم که امروزه تعداد خودروها به بیش از ۱۵میلیون خودرو رسیده و بازهم اقشار فقیر از بنزین ارزان نفع مستقیمی نمی‌برند و فقط گذشت زمان اجزای این سیاست

درست را به‌مراتب سخت‌تر کرده است. کافی است به این سیاست توجه کنیم تا درابیم که اولاً اگر چه در لفظ همه با اصلاح ساختار اقتصادی موافق هستند اما چگونه در مصادیق اختلاف‌فصل موجب شده که اصلاح ساختار اقتصادی در عمل انجام نگیرد. ثانیاً این تجربه نشان می‌دهد که با انجام‌دادن یک سیاست درست اجرای آن در آینده به‌مراتب سخت‌تر خواهد شد و گذشت زمان مسئله را منتفی نخواهد کرد. ثالثاً این نمونه نشان می‌دهد که چگونه منافع طبقه متوسط و غنی در پیوندی نامیومن و به زبان اقشار ضعیف با هم ترکیب شده و چگونه مقاومتی اجتماعی علیه هر اقدامی که این منافع را تهدید کند، شکل می‌گیرد. البته اینجا دیگر نمی‌توان گناه بی‌عدالتی را فقط متوجه ساختار رسمی کرد بلکه نقش جامعه و نخبگان در این اجحاف علیه اقشار ضعیف چشمگیر است.